

چهارشنبه 22 تیر 12 شعبان 13 ژوئیه

درگذشت حسن بن حافظ آندلسی ملقب به عَسَانی در سال 498 هجری قمری...



درگذشت حسن بن حافظ آندلسی ملقب به عَسَانی در سال 498 هجری قمری
حسن بن حافظ آندلسی ملقب به عَسَانی محدث و خطیب مشهور آندلسی در سال 498 هجری قمری درگذشت. او در علم و ادب دانش درخور توجهی داشت و اغلب علمای برجسته عم عصر آندلسی از محضر درس او در جامع قرطبه بهره می بردند. از عَسَانی با کنیه های ابوعلی و ابوالعباس نیز در منابع یاد شده است. این خطیب مشهور در خوشنویسی و سرودن شعراستعداد فوق العاده ای داشت. کتاب #171؛ تَقْیِیْدُ الْمُهْمَلِ» در ثبوت و ضبط اسامی و شرح زندگی رجال برجسته از آثار ارزنده عَسَانی بشمار می رود.

درگذشت سید الاطباء تبریزی عالم، فقیه و طبیب در سال 1316 هجری قمری
سید الاطباء تبریزی عالم، فقیه و طبیب مشهور ایرانی در سال 1316 هجری قمری در شهر تبریز بدرود حیات گفت. سید الاطباء از فرزندان سید محمد فلکی بود و علوم ادبی را در زادگاهش تبریز و نزد پدرش آموخت و سپس از دانش دیگر استادان زمان خود بهره برد. او به علم طب علاقه فراوان داشت از این رو طب را از میرزا حسن شروانی آموخت و بعد نزد استاد خویش به کار و کسب تجربه مشغول شد. از سید الاطباء تبریزی آثاری چون #171؛ تاریخ تبریز، حواشی بر جواهر الکلام، شرح کتب لمعه و کلیات قانون ابوعلی سینا» باقیست.

واگذاری امتیاز تنباکو توسط ناصرالدین شاه به انگلستان
در تاریخ 12 شعبان 1306 ه مطابق با 1889 م ناصرالدین شاه چهارمین پادشاه سلسله قاجاریه در پی سفر سوم خود به انگلستان به علت کسری بودجه سفر (بخاطر ولخرجیهای فراوان) تصمیم می گیرد امتیازی در زمینه کشت، توزیع و فروش توتون و تنباکو به یک نفر انگلیسی به نام #171؛ مازور تالبوت» واگذار می نماید.
شخص امتیاز گیرنده از مشاوران و نزدیکان نخست وزیر انگلستان بود. او با دادن رشوه هایی به درباریان از جمله امین سلطان نظر موافق شاه را به دادن انحصار دخانیات، در مقابل 25 هزار لیره جلب می کند. طبق قرارداد یاد شده، شرکت طرف قرارداد (کمپانی رژی) باید سالانه 15 هزار لیره به صندوق دولت ایران واریز می کرد در عوض کشت و فروش توتون و تنباکو را در انحصار خود می گرفت. بعد از انعقاد قرارداد کارکنان شرکت انگلیسی وارد ایران شدند و در شهرها پراکنده گردیدند که با مخالفت شدید مردم شهرهای شیراز، تبریز، اصفهان و تهران مواجه شدند.

تأثیر روشنفکران آن دوران
سید جمال الدین اسدآبادی عمدتاً او را اولین مصلح و احیاگر دینی در سال اخیر می دادند با درک عمیق وضعیت آن دوران با ارسال نامه ای به مرحوم میرزای شیرازی فقیه نامور دوران، از او برای ریشه کن کردن این واقعه ننگین یاری می طلبد او پس از بیان مقداری از مشکلات و وضعیت مردم و نیز بی کفایتی حاکمان ایران می نویسد: پادشاه ایران سست عنصر گشته. در مجمع عمومی به پیامبران بد می گوید.

آنچه به زبان مسلمانان انجام داده این است که قسمت عمده کشور و درآمد آن را به دشمنان دین فروخته. پیشوای دین! پرتو درخشان انوار ائمه، پایه تخت دیانت و زبان گویای شریعت است، تو وارث پیامبرانی. در اینجا می بینیم که سید جمال الدین اسد آبادی چگونه نقش میرزای شیرازی را به عنوان ادامه دهنده راه انبیا مشخص می کند که همان ولایت فقیه عالم فقیه بر جامعه است. حضرت آیت الله حاج میرزا محمد حسن بن میرزا محمود بن اسماعیل حسینی شیرازی از علمای عالیقدر شیعه می باشد. در شرح احوال این عالم ربانی، مرجع شجاع، آگاه، درهم کوبنده دستگاه بیگانگان و خرد کننده ایادی آنان و نجات دهنده ملت ایران و بازگرداننده شخصیت و سربلندی به ایرانیان یعنی صاحب فتوای تحریم تنباکو آورده اند که وی در نفوس همگان حتی فرزندان خود حشمتی عظیم داشت و این همان شکوه ربانی بود که اجرای فتوای تاریخی وی را چنان مؤثر و از دل و جان بر همگان الزام آور ساخت. سید جمال الدین اسد آبادی سپس درباره امتیاز تنباکو، تبعید شدگان و مسائل دیگری برای میرزای شیرازی توضیح می دهد. سید به این نامه اکتفا نکرده و نامه هایی نیز به علمای داخل کشور می نویسد.

تأثیر فقاقت در این واقعه:

میرزای شیرازی در تاریخ 19 ذي الحجه 1308 - 17 ماه پس از امضای قرارداد تلگرافی را به نزد شاه می فرستد و مخالفت خود را با قرارداد ابزار می نماید. اما با بی اعتنائی شاه مواجه می شود از سوی دیگر عده ای دیگر در شمال کشور دست به شورش مردمی می زنند که شاه با سرکوب و کشتن آنان زمینه را برای تحریم و فتوای میرزای شیرازی فراهم می کند. همزمان با جریان فوق حکم تحریم به شرح زیر در تهران صادر می شود:

بسم الله الرحمن الرحيم

"اليوم استعمال توتون و تنباکو بای نحو کان در حکم محاربه با امام زمان عجل الله فرجه است"

در شهر ولوله ای می افتد هر کس که سواد دارد، از روی آن نسخه ای بر می دارد. این حکومت نشانگر آغاز يك مبارزه مکتبی علیه استعمار بود. در این موقع ناصر الدین شاه با استفاده از معممین درباری این حکم میرزا را جعلی قلمداد می کنند؛ اما مردم گول نخورده و به مبارزه خود ادامه می دهند تا اینکه امتیاز داخلی دخانیات از طرف ناصرالدین شاه لغو می شود. علما و مردم به این اکتفا نکرده و خواستار لغو امتیاز خارجی نیز می شوند. پس از حکم میرزای شیرازی قلیانها شکسته می شود و مردم از کشیدن توتون و تنباکو دست می کشند و تمام مغازه های فروش توتون و تنباکو را می بندد و با شرکت رژی نیز معامله نمی کنند. این جریان ادامه می یابد تا اینکه در تاریخ 23 جمادی اول 1309 اعلانی در کوچه و بازار زده می شود:

"بر حسب حکم جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای میرزای شیرازی، اگر تا 48 ساعت دیگر امتیاز دخانیات لغو نشود یوم دوشنبه آتیه جهاد است، مردم مهیا شوید."

ناصر الدین شاه از این عمل بسیار ناراحت می شود و خارجیان نیز کم کم از ترس جان از تهران و دیگر شهرها فرار اختیار می کنند. شاه روش خشونت آمیزی پیش می گیرد تا بتواند علما را از راه تهدید به حبس و تبعید ساکت کند اما نتیجه ای نمی گیرد و اعلام میکند که: " امتیاز داخله را که برداشته بودیم حال امتیاز از خارجه را هم برداشتیم و مردم مجبور به کشیدن قلیان نیستند تا حکم از جانب میرزای شیرازی برسد. "

علما بای اینکه بفهمند حکم تحریم هنوز سرچایش هست یا نه، به میرزای شیرازی در سامراء تلگراف می زنند. میرزا در جواب می گوید: "حکم باقی است تا موقعی که دستخطی مبنی بر حقیقت داشتن لغو امیتاز بیاید."

در همین زمان اعلامیه ای دائر بر لغو امتیاز تنباکو منتشر می شود. سرانجام در روز سه شنبه 25 جمادی الثانی اعلامیه ای از سوی میرزای شیرازی منتشر شد که " حکم تحریم تنباکو لغو شد. " و بدین گونه نهضت و مقاومت مردم و وحدت روشنفکران دینی و فقیهان شجاع ربانی این واقعه با پیروزی ملت ایران خاتمه یافت.

آغاز جنگ خیابانی میان مشروطه خواهان و قوای قزاق در سال 1288 هجری شمسی

جنگ خیابانی میان مشروطه خواهان و قوای قزاق به فرماندهی لیاخوف در سال 1288 هجری شمسی در تهران آغاز شد. این جنگ به مدت سه روز بطول انجامید و سر انجام با پیروزی مشروطه خواهان و جاهدان پایان یافت؛ لیاخوف از ادامه جنگ دست کشید. پس ازان محمد علی شاه به همراه درباریان طرفدار استبداد در پناه پانصد تن قزاق به سفارت روس درزرگنده شمیران پناهنده شد. لیاخوف فرمانده دولتی قوای قزاق نیز به اتفاق امیر مجاهد تقاضای تأمین جایی کرد تا از ایران خارج شود. اندکی بعد محمد علیشاه از سلطنت خلع و به روسیه پناهنده شد.